

---

**A Sociological Study of the Effect of Marginalization on Urban Management (Case Study: Karimabad Region in Zahedan City)**

**Arezoo Brahui<sup>1</sup>, Hossein Ebrahimzadeh Asmin<sup>2\*</sup>, Khadijeh Asadi Sarvestanii<sup>3</sup>**

<sup>1</sup> MA Social Sciences, Department of Social Sciences, Faculty of Letters and Humanities, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan, Iran

<sup>2</sup>Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Letters and Humanities, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan, Iran

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Letters and Humanities, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan, Iran

---

**Received Date:** 23 May 2021 **Accepted Date:** 01 August 2021

---

**Abstract**

Zahedan City has had one of the most irregular trends in urban physical expansion over the past three decades. Absolute poverty and unemployment have increased the informal settlements and spatial-physical anomalies in this city. The present study was an attempt to conduct a sociological analysis of the impact of marginalization on urban management of Zahedan City in Karimabad region. The research method is the survey method and the data gathering tool is a questionnaire. The random sampling technique was used and the sample size was determined using the Cochran formula. Therefore, 375 questionnaires were distributed among residents aged between 18 and 70 years in the region. Data analysis was performed in SPSS and LISREL statistical software. The research findings indicate that most individuals had a high school diploma or lower education, an income of below 10 million Rials and had freelance and labor jobs, all of which sets the scene for social harms in the region. Thereafter, data normality was examined using the Kolmogorov-Smirnov test. According to the results of the Kolmogorov-Smirnov test, the significance values for the economic, physical, service-environmental, and urban management variables were 0.090, 0.108, 0.070 and 0.051, respectively. Concerning the economic condition, physical condition, service-environmental and urban management condition, the results showed that the conditions are average and below average in all dimensions, while urban management with 3.637 and with the highest average, it had the worst condition compared to other dimensions. Besides, the results indicated that the economic, physical, service-environmental and demographic components affect the urban management of Zahedan City. Regarding the improvement mechanism, in addition to the concern for economic needs, concepts related to urban control management, cultural activities and increasing of the awareness of marginalized people are taken into account.

---

**Keywords:** Marginalization, Sociological, Urban Management, Karimabad, Zahedan.

---

\* Corresponding Author: h.ebrahim@liu.usb.ac.ir

**Cite this article:** Brahui, A, Ebrahimzadeh Asmin, H., Asadi Sarvestanii, K. (2021). A Sociological Study of the Effect of Marginalization on Urban Management (Case Study: Karimabad Region in Zahedan City). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 2(2), 25-44.

## بررسی جامعه‌شناختی تأثیر حاشیه‌نشینی بر مدیریت شهری (مطالعه‌ی موردی: ناحیه‌ی کریم آباد شهر زاهدان)<sup>۱</sup>

آرزو براهویی<sup>۱</sup>، حسین ابراهیم زاده آسمین<sup>۲\*</sup>، خدیجه اسدی سروستانی<sup>۳</sup>

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

### چکیده

شهر زاهدان یکی از بی‌قاعده‌ترین روندها در گسترش فیزیکی شهری را طی سه دهه‌ی گذشته دارا بوده است. فقر و بیکاری مطلق منجر به افزایش سکونتگاه‌های غیر رسمی و ناهنجاری‌های فضای-کالبدی در سطح شهر گردیده است. این مطالعه با هدف بررسی جامعه‌شناختی تأثیر حاشیه‌نشینی بر مدیریت شهری شهر زاهدان در ناحیه‌ی کریم آباد انجام شد. روش پژوهش در این پژوهش، پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است. روش نمونه برداری تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه انتخاب گردید. از این رو ۳۷۵ پرسشنامه بین ساکنان ۱۸ تا ۷۰ سال سن ناحیه توزیع گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS و LISREL صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بیش‌تر افراد دارای تحصیلات دیپلم به پایین و میزان درآمد کمتر از ده میلیون ریال و دارای مشاغل آزاد و کارگری بودند که همه‌ی این مسایل بستری برای آسیب‌های اجتماعی در ناحیه‌ی فراهم خواهد نمود. در ادامه با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نرمال بودن داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. مطابق با نتایج حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مقدار معناداری برای متغیرهای اقتصادی، ۰/۰۹۰، فیزیکی-کالبدی ۰/۱۰۸، خدماتی-زیست محیطی ۰/۰۷۰ و مدیریت شهری ۰/۰۵۱ بود. در پاسخ به چگونگی وضعیت اقتصادی، وضعیت فیزیکی-کالبدی، خدماتی-زیست محیطی و مدیریت شهری نتایج نشان داد که شرایط در تمامی ابعاد متوسط رو به پایین می‌باشد و در این میان مدیریت شهری با ۳/۶۳۷ بیش‌ترین میانگین نسبت به سایر ابعاد وضعیت بدتری داشت. همچنین نتایج نشان داد مؤلفه‌های اقتصادی، فیزیکی-کالبدی، خدماتی-زیست محیطی و جمعیت‌شناختی بر مدیریت شهری شهر زاهدان تأثیرگذار است. در مورد سازوکار بهبود، علاوه بر محور توجه به نیازهای اقتصادی، مفاهیمی مرتبط با مدیریت کنترلی شهری و فعالیت‌های فرهنگی و افزایش آگاهی حاشیه‌نشینان، مورد توجه است.

**کلیدواژه‌ها:** حاشیه‌نشینی، جامعه‌شناختی، مدیریت شهری، کریم آباد، زاهدان.

<sup>۱</sup> این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان بررسی جامعه‌شناختی تأثیر حاشیه‌نشینی بر مدیریت شهری شهر زاهدان (مطالعه‌ی موردی: کریم آباد) به راهنمایی نگارنده اول و مشاوره نگارنده دوم رشته جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان است.

\* نویسنده مسئول: h.ebrahim@liu.usb.ac.ir

ارجاع به این مقاله: براهویی، آرزو، ابراهیم زاده آسمین، حسین؛ اسدی سروستانی، خدیجه. (۱۴۰۰). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر حاشیه‌نشینی بر مدیریت شهری (مطالعه‌ی موردی: ناحیه‌ی کریم آباد شهر زاهدان). فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۲(۲)، ۲۵-۴۴.

## مقدمه و بیان مسأله

با افزایش روزافزون جمعیت شهرنشین در جهان و به دنبال آن بزرگ شدن شهرهای موجود و ایجاد شهرهای جدید، مدیریت شهری با چالش‌های متعددی در زمینه‌ی اداره‌ی مطلوب شهرها مواجه شده است، یکی از این چالش‌ها بحث حاشیه‌نشینی به عنوان مصداقی از اسکان غیررسمی است. اسکان غیررسمی در جهان فراگیر بوده و خاص کشورهای مشخصی نمی‌باشد، اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل مشکلات ساختاری نظیر تنگناهای اقتصادی، رشد سریع شهرنشینی و غیره این مسأله نمود عینی و بارزتری یافته است. حاشیه‌نشینی از پیامدهای توسعه ناهمسو در نظام شهرنشینی است. روند توسعه‌ی شهرنشینی، به ویژه بعد از انقلاب صنعتی و قرن نوزدهم، دگرگونی در ساختار اجتماعی-اقتصاد سنتی، توزیع نابرابر منابع و تسهیلات در فضای منطقه‌ای را به وجود آورده است که با وضع مناسبات نوین اجتماعی، زمینه‌ی شکل‌گیری ساختار نامرتبی از توسعه را فراهم ساخته است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۲). حاشیه‌نشینی یک مشکل جهانی است که بر جوامع در سراسر جهان تأثیر منفی می‌گذارد (موات<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵: ۴۵۵).

مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد (هابیتات) در گزارش سالانه خود در مورد پدیده‌ی حاشیه‌نشینی در سطح جهان پرده از واقعیت تلخی برداشت و پیش‌بینی کرد که تا سال ۲۰۳۰، حدود ۲ میلیارد نفر از ساکنان زمین حاشیه‌نشین باشند. بنا به آمار این مرکز، در حال حاضر، از هر ۷ نفر، یک فرد در منطقه‌ی حاشیه‌نشین زندگی می‌کند که این کسر در سال ۲۰۳۰، یک نفر به ازای چهار نفر خواهد بود و تلخ‌تر این‌که، در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه‌ی یک سوم جمعیت با این معضل دست به‌گریبان خواهند بود (UN-Habitat, 2005: 51).

در حال حاضر با توجه به آمار موجود در حدود ۸ میلیون نفر در ایران در این سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند که از دهه‌ی ۷۰ به بعد با گسترش ابعاد آن نه تنها سکونتگاه‌های غیررسمی بلکه در مواردی حتی مناطق دیگر را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد (روستم زاده<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴: ۳۲۳).

ایران به عنوان کشوری در حال توسعه با این مشکل بخصوص در اطراف شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها مواجه است. حاشیه‌نشینی یکی از معضلات جدی مدیریت شهری است که ارائه خدمات شهری و به دنبال آن دستیابی به حداقل حقوق شهروندی را با چالش‌های گسترده‌ای مواجه می‌سازد (مظهری و سلیمانی دینانی، ۱۳۹۹: ۲). معضل حاشیه‌نشینی یا سکونت‌گاه‌های غیررسمی در بخش عظیمی از کشورهای جهان، به ویژه در شهرهای بزرگ قاره‌ی آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی گریبا نگیر مدیریت شهری است.

مدیریت شهری می‌تواند به دنبال ایجاد محیطی بهتر، مساعدتر، سالم‌تر، آسان‌تر، مؤثرتر و دلپذیرتر برای کلیه‌ی ساکنان یک شهر باشد. مدیریت شهری، باید در پاسخ دادن و غلبه بر محدودیت‌ها و مسائل شهری به بهترین شکل عمل نماید. از طرفی کم‌توجهی به مدیریت شهری موجب شده، شاخص‌ها و استانداردهای شهری در همه‌ی شهرها در یک سطح منطقی قرار نگیرند و فاصله‌ی توسعه یافتگی بین شهرهای کشور معنادار باشد. به همین دلیل رشد مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ‌تر افزایش یافته و در شهرهای بزرگ‌تر با انباشت و انفجار جمعیت و معضل جدی حاشیه‌نشینی مواجه هستیم.

شهر زاهدان به عنوان مرکز استان سیستان و بلوچستان با میزان قابل توجه مهاجرت و نرخ بالای رشد طبیعی جمعیت مواجه است. مهاجرین کم‌درآمد در مرحله‌ی ورود به شهر با توجه به توان اقتصادی، اجتماعی و با توجه به

<sup>۱</sup> . Mowat

<sup>۲</sup> . Rostamzadeh

محدودیت‌های ساختاری جهت جذب آن‌ها در بخش رسمی و قانونی شهر، عمدتاً به شکل غیر رسمی در حواشی و خارج از محدوده‌ی قانونی و رسمی شهر اسکان یافته‌اند.

ناحیه‌ی کریم‌آباد در شرق شهر زاهدان در جوار نواحی باباییان، شیرآباد، کارخانه‌ی نمک و غیره یکی از قسمت‌های حاشیه نشین و نابسامان شهری در زاهدان است، که به لحاظ فضایی کالبدی و تجهیزات و تأسیسات شهری با هیچ‌یک از معیارها و استانداردهای موجود شهری تطابقی ندارد (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

چنانچه تدابیر مناسب و برنامه‌اصولی برای کنترل و بهبود سکونتگاه‌های غیر رسمی و محلات حاشیه نشین در شهر زاهدان صورت نگیرد، روز به روز معضلات گسترش یافته و موجب بوجود آمدن پیامدهایی همچون تضادهای شدید اکولوژیکی شهری، بزهکاری، جرم و جنایت و بطور خلاصه ناهنجاری‌های اجتماعی و در نهایت عدم کنترل و نظارت مدیران و برنامه‌ریزان شهری در هدایت و ساماندهی شهر خواهند شد.

نمی‌توان به امید حل خود به خودی این مسأله آن را رها نمود و با برخورد مقطعی، گزینشی و پراکنده کاری (در این‌جا و آن‌جا) پاسخگوی آن بود. با شناسایی علل پیدایش حاشیه نشینی و بررسی وضعیت اجتماعی حاشیه نشینان شهر زاهدان امکان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران عرصه‌ی شهر جهت رهایی از این معضل را فراهم کند.

از این رو پژوهش حاضر در پی آن است با شناخت و تحلیل وضعیت اجتماعی حاشیه نشینان شهر زاهدان به ارائه‌ی راه‌کارهایی جهت رهایی از این معضل و در نهایت بهبود روند آن و توانمندسازی اسکان غیر رسمی با توجه به توان‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (توسعه‌ی بومی) بپردازد. بدین منظور باید سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- ویژگی‌های جمعیتی در ناحیه‌ی کریم‌آباد به چه صورت است؟
- ویژگی‌های اقتصادی سرپرست خانوار شامل شغل، میزان درآمد ناحیه‌ی کریم‌آباد به چه صورت است؟
- ویژگی‌های کالبدی و نحوه‌ی سکونت ناحیه‌ی کریم‌آباد به چه صورت است؟
- ویژگی‌های خدماتی و زیست محیطی در ناحیه‌ی کریم‌آباد به چه صورت است؟
- آیا عملکرد مدیریت شهری در زاهدان (شهرداری) متناسب با نیاز حاشیه نشینان ناحیه‌ی کریم‌آباد است؟

### فرضیه‌های پژوهش

- مؤلفه‌های اقتصادی بر مدیریت شهری ناحیه‌ی کریم‌آباد شهر زاهدان تأثیرگذار است.
- مؤلفه‌های فیزیکی-کالبدی بر مدیریت شهری ناحیه‌ی کریم‌آباد شهر زاهدان تأثیرگذار است.
- مؤلفه‌های خدماتی-زیست محیطی بر مدیریت شهری ناحیه‌ی کریم‌آباد شهر زاهدان تأثیرگذار است.
- مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی بر مدیریت شهری ناحیه‌ی کریم‌آباد شهر زاهدان تأثیرگذار است.

### مبانی نظری

شکل‌گیری حاشیه نشینی یا سکونتگاه‌های غیر رسمی درون یا حاشیه شهرهاست. وجود معانی و اصطلاحات متعدد در زبان‌های مختلف، بیانگر جهانی بودن این وضعیت است (الکساندر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲: ۳۸).

این پدیده به اشکال متفاوت در گوشه و کنار شهرها، حتی در بخش مرکزی شهرها به صورت مجتمع‌هایی در قالب محله‌هایی با عناوین زاغه، آلونک نشینی، حاشیه نشینی، سکونتگاه‌های خودرو و سکونتگاه‌های نابسامان، سکونتگاه-

<sup>۱</sup>.Alexander

های غیرمجاز، سکونتگاه‌های برنامه ریزی نشده و غیره از آن نام می‌برند، مشاهده می‌شود. در اغلب کشورهای در حال توسعه این پدیده به شکل حادثه از سایر کشورهای جهان مشاهده می‌شود (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۲: ۱). بر اساس برآورد مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد، سکونتگاه‌های غیررسمی، پدیده ای است که بیش از ۵۰ درصد ساکنان شهرهای کشورهای کم درآمد و ۲۰ درصد ساکنان کشورهای میان درآمد را به خود اختصاص داده است (شیعه و همکاران، ۲۴:۲۰۱۱).

حاشیه‌نشین کسانی هستند که در محدوده‌ی اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اجتماعی اقتصادی شهر نشده‌اند. حومه نشینی، تمرکززدایی و واگرایی جمعیت از شهر و مکان‌گزینی آن‌ها در آبادی‌های پیرامون به دلایل متعددی مانند افزایش قیمت زمین و مسکن، افزایش اجاره‌ی مسکن، افزایش بهای خدمات و افزایش آلودگی‌های زیست محیطی است؛ از این رو حومه نشینی قبل و بیش از هر تعبیری دارای مفهوم و بعد مکانی است. علت تلقی عدم جذب او در نظام اجتماعی اقتصادی شهر، یکی شکل ممکن اوست و دیگر این‌که شیوه‌ی زندگی او با شیوه‌ی زندگی سایر افراد معمولی ساکن شهر که همان درآمد را دارند، بسیار متفاوت است و در قالب رفتارهای اجتماعی متعارف شهری نیست (غلامی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۹).

حاشیه نشینی در طیف وسیعی از افراد جامعه که از حق قانونی برخوردار نیستند، به صورت فقر خود را نشان می‌دهد (اوهن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲: ۴۶). ویژگی‌های مهم یک سکونتگاه غیر رسمی از جنبه‌های مختلف در جدول (۱) به اختصار آورده شده است (کمانرودی، ۲۶:۱۳۸۰).

جدول ۱. ویژگی‌های مهم یک سکونتگاه غیر رسمی از جنبه‌های مختلف

معیار	ویژگی	نمونه
کالبدی	سکونتگاه غیر قانونی - خدمات شهری ناکافی و زیرساخت سطح پایین	سیستم ابرسانی ضعیف - بهداشت محیط نامناسب ایجاد واحدهای مسکونی بدون رعایت معیارهای فنی - روشنایی نامناسب معابر - کمبود و فقدان فضاهای آموزشی، مراکز بهداشتی و سایر فضاها
اجتماعی	گروه‌های کم درآمد	مهاجران (روستا و شهرهای کوچک) - سطح سواد پایین - نرخ بالای بیسوادی در میان زنان - دارای مشاغل چون کارگر روز مزد با سطح پایین دستمزد و شغل‌های نیمه وقت (قرخلو و پناهنده خو، ۱۳۸۸: ۶)
اقتصادی	اقتصاد غیر رسمی	آسانی ورود به بخش غیر رسمی - اتکا به منابع محلی و درآمد خانوار - مالکیت خانواده بر کسب و کار - فعالیت محدود عدم تخصص در فعالیت به معنای فنی آن - مهارت‌های اکتسابی از خارج از نظام رسمی (قرخلو و پناهنده خو، ۱۳۸۸: ۶)

مدیریت شهری (مفهومی چند وجهی) به صورت امری پیچیده و امری چند نقشی و چند بخشی است (کیانی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۲: ۸۲). مدیریت شهری باید تمام نظام شهری اعم از فضای کالبدی و عملکردی آن را تحت پوشش قرار دهد (کاظمیان و میر عابدینی، ۲۸:۱۳۹۰).

۱. Öhrn

۲. kiani

ویلیامز در سال ۱۹۸۷ مدیریت شهری را یک تئوری و چشم انداز نمی‌داند، بلکه آن را چارچوب و پایه و اساس مطالعات شهر می‌داند. او اضافه می‌کند که مدیریت شهری ارتباط قوی و تنگاتنگ با ماهیت شهر از یک طرف و ساختار های اجتماعی و اقتصادی از طرف دیگر دارد. مدیریت شهری ابزاری است که بوسیله‌ی آن می‌توان توسعه‌ی مشارکتی و پایدار را بوجود آورد. نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (عدم تأمین فضای اسکان کم درآمدها و به حاشیه رانده شدن آن‌ها) از عوامل تأثیرگذار بر گسترش شهرنشینی بوده است و به تبع آن شهرهای کشورهای جهان سوم را دچار مسائل و مشکلات جدی از قبیل آلودگی‌های زیست محیطی و بیماری در شهرها، ایجاد زاغه و مسکن‌های غیر قانونی، دسترسی ناکافی به مسکن و خدمات اصلی شهری، بیگانگی شهروندان از یکدیگر، کمبود شدید تأسیسات و زیر ساخت‌های شهری و مهاجرت گسترده از روستا به شهر کرده است (ملکی و موسوی، ۱۴۰۰: ۴۰-۴۳).

در ارتباط با چالش حاشیه نشینی در مبحث مدیریت شهری، سؤالی که به اذهان متبادر می‌شود این است که چه نهاد یا نهادهای در رویایی با این مسأله خود را مسئول می‌دانند؟ آیا در مقیاس‌های مختلف تصمیم‌گیری، برنامه‌ای برای آن در نظر گرفته شده یا نه؟ در صورتی که با این مسأله به صورت بنیادی و ساختاری برخورد شود و تصمیماتی معقولانه اتخاذ شود می‌توان راه‌کارهای در جهت تقلیل آن و سپس کنترل نهایی در مراحل بعدی صورت داد. سکنه‌ی غیررسمی حریم شهرها، مخصوص کلان‌شهرها نیست بلکه در اطراف شهرهای متوسط و کوچک نیز ما شاهد شکل‌گیری این پدیده هستیم. زاهدان به عنوان یک شهر متوسط و چابهار به عنوان یک شهر کوچک با این پدیده بغرنج درگیر می‌باشند (پیران، ۱۳۸۲: ۸).

حاشیه‌نشینی به عنوان یکی از بسترهای مهم بروز آسیب‌های اجتماعی است که همواره با گسترش آن شاهد افزایش ناامنی اجتماعی - اقتصادی می‌شود (شماعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۲).

این سکونت‌گاه در درون خود به باز تولید آسیب‌های اجتماعی می‌پردازند. نوع آسیب‌های اجتماعی تولید شده در این مناطق با کیفیت مساکن ارتباط مستقیم دارد. این مناطق عمدتاً همراه با تصرف عدوانی و یا ساخت و ساز غیر مجاز و فاقد ایمنی لازم هستند.

لوک کایدل<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه‌ی رابطه‌ی بین امنیت تصرف درک شده توسط ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی و کیفیت مسکن را مورد توجه قرار داده است. نتایج پژوهش نشان داد که سیاست‌هایی مثل اخراج و تخلیه اجباری که امنیت تصرف ساکنان را به خطر می‌اندازد. نتیجه عکس در جلوگیری از رشد سکونتگاه‌های غیر رسمی در فیجی داشته است. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که رابطه‌ی معناداری بین کیفیت مسکن و امنیت تصرف وجود دارد.

یکی از کارکردهای و پیامدهای منفی گسترش حاشیه نشینی، بروز آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی در شهرهاست که همراه با گسترش آن، افزایش ناامنی، بزه و انواع مختلف جرم و جنایت، روسپی‌گری و خشونت در جامعه شاهد هستیم. مشکلات اقتصادی علت عمده آسیب‌های اجتماعی قلمداد شده است، از میان عوامل مختلف اقتصادی که منجر به انواع کجروی‌ها می‌شوند، می‌توان از مشکلات اجتماعی، که خود زاینده‌ی عواملی چون پس افتادگی فرهنگ غیر مادی نسبت به پیشرفت تکنولوژی و یا بحران اقتصادی و ضعف قدرت مالی و اقتصادی در یک دوره به خصوص، فقر و بی‌چیزی و زندگی در جایی غیر قابل سکونت نام برد.

کاسارا<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) در مطالعات خود، عمومی‌ترین شاخص نابسامانی اجتماعی را اندازه‌گیری درصد رسمی فقر در محدوده داده شده یک شهر می‌داند. کاساردا همچنین تأکید دارد که علاوه بر فقر، نابسامانی اجتماعی با آسیب‌شناسی شرایط اجتماعی نیز ارتباط دارد.

1. Luke Kiddle

2. Kasara

بنابراین باتوجه به مطالب عنوان شده می توان بیان کرد حاشیه‌نشینی (اسکان غیررسمی) از عوارض رشد بی‌رویه شهرنشینی و تمرکز منابع و امکانات در نواحی بزرگ شهری است و این پدیده زائیده عملکرد نامناسب ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. از سوی دیگر آسیب‌های ناشی از حاشیه‌نشینی مشکلاتی را برای مدیریت شهری بوجود می آورد. بنابراین مدیریت شهری موثر مستلزم شناخت مسائل و مشکلات آن و پیدا کردن راه‌هایی برای کاهش آسیب‌های آن است تا زندگی در شهرها، هم برای شهروندان و هم برای مسئولان، قابل تحمل و رضایت‌بخش تر شود.

### پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون مطالعات زیادی در زمینه حاشیه‌نشینی و مدیریت شهری صورت گرفته که می توان به موارد زیر اشاره نمود.

ملکی و موسوی (۱۴۰۰) مقاله‌ای تحت عنوان "توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر شاخص‌های حکمروایی خوب شهری (مطالعه‌ی موردی: محلات غیررسمی شهر ایلام) انجام دادند. نتایج بررسی‌ها براساس شاخص‌های حکمروایی خوب شهری مشارکت، پاسخگویی، قانونمندی، عدالت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی و کارآمدی نشان می‌دهد که میزان بهره‌گیری از حکمروایی خوب شهری در ایلام در سطح پایینی قرار دارد. بر این اساس، هر چه حکمروایی خوب شهری و شاخص‌های آن به خوبی اجرا و نظارت شود، گسترش اسکان غیر رسمی بهتر کنترل می‌شود.

امان پور و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان سنجش و ارزیابی نابرابری مناطق شهری در برخورداری از شاخص‌های ترکیبی توسعه (مطالعه موردی: کلانشهر اهواز) انجام دادند. در این راستا، پژوهش با هدف سنجش نابرابری فضایی درون شهری کلانشهر اهواز در برخورداری از شاخص‌های ترکیبی توسعه انجام شد. از ۴۵ متغیر و با بهره‌گیری از مدل ELECTRE سطح بندی و میزان نابرابری‌های موجود در کلانشهر اهواز تعیین نماید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد پراکنش توسعه، نامتعادل بوده و بین مناطق، از نظر توسعه یافتگی نابرابری و شکاف وجود دارد و این نابرابری در بخش‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، خدماتی، بهداشتی درمانی و کالبدی خود را نشان می‌دهد و پیشنهاد می‌شود توزیع شاخص‌های توسعه به سمت رشد متوازن هدایت شوند.

وصالی و قاسمی نژاد (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان مطالعه داده بنیاد حاشیه‌نشینی و توسعه‌ی اجتماعی (شناسایی شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای تحقق نیافتگی توسعه‌ی اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان پاکدشت) به این نتیجه رسیدند که شرایط مداخله‌گر در فهم حاشیه‌نشینان سستی منزلت اجتماعی، ذهنیت توسعه‌ی دولت محور، خشونت و نگاه حذفی و مسئولیت‌پذیری و تعلق اجتماعی پایین هستند. راهبردهای اتخاذ شده در برابر این شرایط خود حاشیه‌سازی، حداکثرسازی منافع و تداوم بخشی و زوال عاملیت‌گرایی هستند که با پیامدهای هم‌چون گسست اجتماعی روانی و مرکزیت اقتصاد در زندگی اجتماعی همراه است که خود را به صورت شکل‌گیری منش عادی و فاصله‌گذاری شکننده با محیط و فهم تک بعدی از توسعه نشان می‌دهند.

ملک‌افضلی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان بررسی شاخص‌های توسعه‌ی پایدار در محله‌های حاشیه‌نشین در محله قلعه کامکار قم انجام دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که محله‌ی قلعه کامکار قم از مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی پایینی برخوردارند و از نظر برخورداری از خدمات ارائه شده در این محله در سطح مطلوبی قرار ندارد، عواملی از قبیل مهاجرت از نقاط فقیر روستایی، فقر ساکنان و هم‌چنین، ناکارآمدی مدیریت شهری از سطوح کلان تا خرد این مسأله را ایجاد و تشدید کرده است.

امین زاده (۱۳۹۶) در پایان نامه خود تحت عنوان، بررسی علل شکل‌گیری اسکان‌های غیررسمی و ارائه راه‌کاری بهینه جهت ساماندهی آن (مطالعه‌ی موردی: محله علی آباد بوکان) نشان داده که محدوده‌ی مورد مطالعه در زمینه‌ی کالبدی و شرایط اجتماعی از سطح بسیار نازلی برای ساماندهی برخوردار می‌باشد و یکی از راه‌کارهای بهینه جهت ساماندهی در این زمینه، در پیوند با مشارکت و توان مردمی می‌باشد.

صفرآبادی و همکاران (۱۳۹۵) مقاله‌ای تحت عنوان؛ رویکردهای توانمندسازی مناطق حاشیه‌ای شهری (نمونه‌ی موردی: حسن آباد یزد) به این نتیجه رسیدند که عوامل بر اساس شدت اثرگذاری در توانمندسازی محله به صورت زیست محیطی، اجتماعی، آموزشی، درمانی - ورزشی، مشارکتی، کالبدی، اقتصادی، زیرساختی و مهارت آموزی اولویت بندی شدند.

رضایی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی و تحلیل ابعاد اجتماعی حاشیه‌نشینی در کلانشهرها) مطالعه‌ی موردی: محلات حاشیه نشین شهر شیراز (به بررسی و تحلیل اثرات اجتماعی آن در شهر شیراز پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که بین تعادل اجتماعی، امنیت اجتماعی و گسترش حاشیه نشینی رابطه‌ی معکوسی وجود دارد و هرچه میزان و تعداد حاشیه نشینان بیش‌تر باشد وضعیت اجتماعی نامتعادل‌تر خواهد بود. در نهایت با توجه به نتایج پژوهش راه‌کارهای مناسب برای ارتقاء کیفیت زندگی اجتماعی در مناطق حاشیه نشین شهر شیراز ارائه گردیده است.

حیدری و لطفی (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر زنجان انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم پایین بودن نرخ رشد جمعیت در این محله نسبت به شهر زنجان، تراکم جمعیت بالا بوده و در نتیجه به کاهش سطح سرانه‌ی مسکونی منجر شده است. هم‌چنین نتایج حاصل از پژوهش حاکی از پایین بودن سطح استاندارد شاخص‌های اجتماعی و کالبدی، به خصوص شاخص مسکن در محله‌ی اسلام آباد نسبت به شهر زنجان می‌باشد.

توسلی و نور مرادی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی جامعه‌شناختی علل گستره آسیب‌های اجتماعی در بین حاشیه نشین‌های شهر تهران در منطقه خاک سفید پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که انحرافات جنسی، دزدی و نداشتن امنیت از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی خاک سفید است که ساکنان این منطقه با آن مواجه‌اند. مهم‌ترین پیشنهاد و خواسته‌ی پاسخگویان استقرار هر چه بیش‌تر نیروهای امنیتی و پلیس در خاک سفید و اقدامات عاجل مصلحین و مسئولان جامعه جهت کاهش و کنترل این آسیب از طریق برنامه ریزی‌های درمان مدار و مداخلات موثر اجتماعی است.

کلیفورد شاو<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در کتابی تحت عنوان *نظریه بی‌نظمی اجتماعی*، جراثم شهری را تحت تأثیر فضای مناطق خاص شهری می‌داند. وی با اخذ آمار و اطلاعات مناطق خاص شهر از دادگاه و پلیس به مناطقی رسید که ویژگی‌های حاشیه نشینی داشتند و به گتو معروفند، یافته‌های اصلی پژوهش عبارتند از: ۱- به طور کلی بزهکاران مناطق حاشیه از حیث ضریب هوشی و شخصیتی با بزهکاران مناطق دیگر، تفاوت معناداری ندارند ۲- در مناطق حاشیه‌ای، سنت‌های عرفی، نهادهای محله‌ای و افکار عمومی که از طریق آن‌ها محله‌ها، رفتار افراد را کنترل می‌کنند، به طور عمده از هم فروپاشیده‌اند ۳- مناطق حاشیه‌ای، فرصت‌های متعددی را برای فعالیت مجرمان از جمله خرید و فروش مواد مخدر، اموال مسروقه، مشروبات الکلی، اعمال خراب‌کارانه و متجاوزانه و منافی عفت و غیره در اختیار مجرمان قرار می‌دهند. - فعالیت‌های بزهکارانه در این مناطق از همان سنین کودکی به عنوان بخشی از بازی‌ها شروع می‌شوند.

دهال و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۳)، در مقاله‌ی خود به بررسی جوامع حاشیه نشین و نهادهای حافظت محلی مورد نپال در منطقه‌ی آنپورا پرداخته‌اند. هدف این مطالعه بررسی مشارکت مردم در تأمین اجتماعی خود است. نتایج نشان می‌دهد که گروه‌های حاشیه‌ای که در نهادهای محلی مشارکت داشتند، به دلیل اینکه نمایندگی آن‌ها در امور حداقلی بود،

1. Shaw

2. Dehal et al



امر منجر به معناداری مشارکت و توانمند سازی جهت نفوذ مؤثر بر تصمیمات در برنامه های توسعه و تأمین اجتماعی نمی شد.

## روش پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی جامعه شناختی تأثیر حاشیه نشینی بر مدیریت شهری ناحیه‌ی کریم آباد شهر زاهدان در ناحیه‌ی کریم آباد است. ماهیت پژوهش توصیفی- تحلیلی و شیوه‌ی گردآوری داد ها پیمایشی است. شیوه‌ی گرد آوری اطلاعات و داده ها کتابخانه ای و میدانی است. محدوده‌ی جغرافیایی و مکانی پژوهش، ناحیه‌ی کریم آباد زاهدان است.

## جامعه و نمونه‌ی آماری و شیوه‌ی نمونه گیری

واحد آماری، سرپرست خانوار و ابزار گرد آوری اطلاعات، پرسش نامه محقق ساخته است. متغیرهای مورد بررسی، متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و زیست محیطی و گویه های مدیریت شهری در قالب پرسشنامه هستند. با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی ساختار کلی پرسشنامه‌های تحقیق مورد روائی سنجی محتوایی قرار گرفت. در این پژوهش جامعه‌ی آماری، شهروندان بالای ۱۸ سال در ناحیه‌ی کریم آباد شهر زاهدان است که با روش نمونه برداری تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه انتخاب می گردد. که حدود ۳۷۵ پرسشنامه بدین منظور استفاده شد

فرمول اصلی محاسبه‌ی حجم نمونه‌ی کوکران نیز به صورت زیر است:

رابطه‌ی (۱)

$$n = \frac{\frac{Z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{Z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش آماری توصیفی تحلیلی و استنباطی استفاده شد. بر اساس این روش، اطلاعات جمع آوری شده به صورت جدول های توزیع فراوانی، پارامترهای آماری و نمودارها مورد تحلیل قرار گرفت. از شاخص های آمار توصیفی مانند فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار برای بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به ویژگی‌های عمومی پاسخگویان استفاده شد. و از تکنیک های مدل یابی معادلات ساختاری جهت آزمون فرضیه های استفاده می شود در بسته نرم افزاری SPSS جهت تحلیل موارد فوق استفاده شد.

## روایی و اعتبار ابزار سنجش

قابلیت پایایی یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است که نشان می‌دهد ابزار اندازه‌گیری تا چه اندازه نتایج یکسانی در شرایط مشابه به دست می‌دهد. یکی از روش‌های محاسبه‌ی پایایی، ضریب آلفای کرونباخ است. جهت محاسبه‌ی آلفای کرونباخ ابتدا باید واریانس نمرات هر سؤال پرسشنامه و واریانس کل آزمون را محاسبه کرد و سپس با استفاده از فرمول زیر مقدار ضریب آن را محاسبه نمود. چنانچه ضریب آلفای کرونباخ بیش از ۰/۷ محاسبه گردد، پایایی پرسشنامه مطلوب ارزیابی می‌شود.

رابطه‌ی ۲

$$\alpha = \frac{k}{k-1} \left( 1 - \frac{\sum s_i^2}{s_x^2} \right)$$

$\alpha$  = ضریب آلفای کرونباخ،  $K$  = تعداد سوال‌ها ی پرسشنامه،  $S_i^2$  = واریانس سوال  $i$  ام و  $Sx^2$  = واریانس کل آزمون ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در این پژوهش برای تمامی پرسشنامه‌ها بالاتر از ۰٫۷ محاسبه شده است و نشان دهنده‌ی این مطلب است که پرسشنامه‌ها از پایایی مطلوبی برخوردارند.

جدول (۲). برونداد نرم افزار SPSS برای محاسبه آلفای کرونباخ پرسشنامه‌های پژوهش

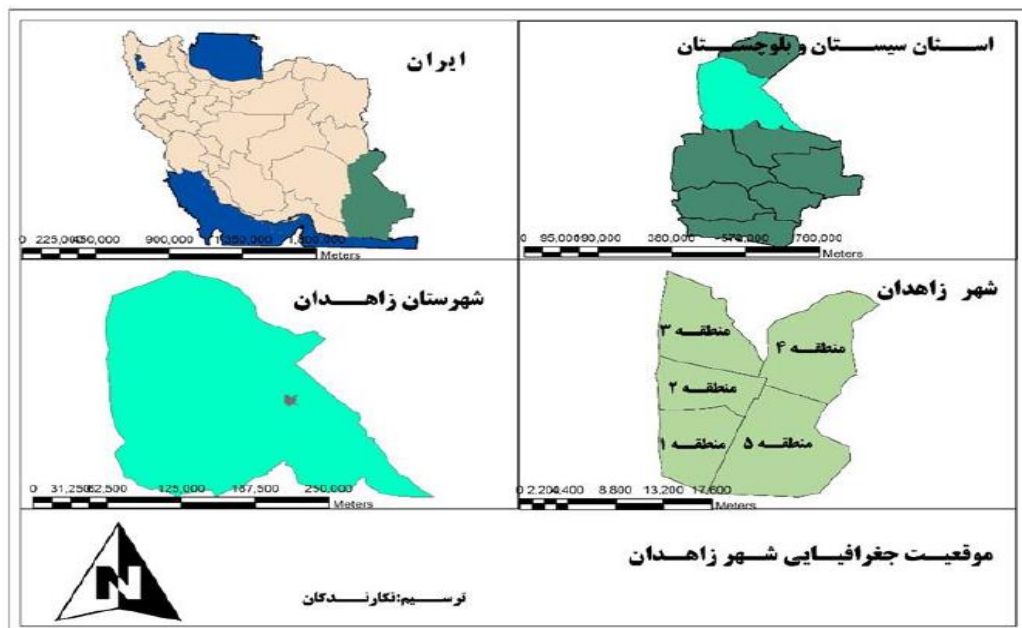
متغیر	نماد	ضریب آلفای کرونباخ
اقتصادی	Economic	۰/۸۲۹
فیزیکی-کالبدی	Physical	۰/۸۰۹
خدماتی-زیست محیطی	Env Service	۰/۷۷۷
مدیریت شهری	Urban M	۰/۷۸۹

معرفی محدوده مورد مطالعه

ناحیه‌ی کریم آباد از قدیمی ترین نواحی حاشیه نشین شهر زاهدان است، در پی تصویب طرح مهندسیین مشاور امکو در سال ۱۳۵۶ ناحیه کریم آباد در محدوده‌ی قانونی شهر قرار گرفت. مختصات جغرافیایی این ناحیه در ۲۹ درجه و ۲۹ دقیقه و ۱۶ ثانیه عرض شمالی و ۶۰ درجه، ۵۳ دقیقه و ۱۶ ثانیه‌ی طول شرقی می باشد و ارتفاع آن از سطح دریا به حدود ۱۳۶۷ متر می رسد.

ناحیه‌ی کریم آباد براساس آخرین آمار ارائه شده سال ۹۸ دارای جمعیتی معادل ۱۶۱۸۰ نفر جمعیت است که ۸۰۶۳ نفر زن و ۸۱۱۷ نفر مرد می باشد و تعداد ۲۳۴۶ خانوار در آن سکونت دارند که بیش از ۳۵ درصد آن را مهاجران افغان تشکیل می دادند و از فقیرترین نواحی و نواحی حاشیه‌ی شهر زاهدان به شمار می آید؛ این ناحیه در شرق زاهدان و در مجاورت فرودگاه این شهر قرار دارد (گزارش‌های دفتر تسهیل گری شهرداری، ۱۳۹۸).

در ناحیه‌ی کریم آباد همانند دیگر سکونتگاه‌های نابسامان و حاشیه‌ای، فاصله‌ی سطح انتظارات و سطح زندگی واقعی، فوق العاده بالاست و این شکاف، به سرخوردگی، یأس و اضطراب ساکنان دامن زده است، سطح توقعات اغلب آن‌ها از حکومت مرکزی زیاد است و حکومت را مسئول ارائه‌ی تمامی خدمات شهری و رفع بسیاری دیگر از نیازهای خود می دانند. ناحیه‌ی کریم آباد دارای ۲۶۱۲ سکونتگاه می باشد که مساحتی معادل ۵۱۸۳۸۵ متر مربع را در برمی گیرد. و در کل ناحیه‌ی ۱۱ مرکز آموزشی معادل ۳۵۵۲۴ متر مربع وجود دارد. ملاحظه می گردد که خوشه‌های جنوب، شرق و غرب که محلات حاشیه‌ای در آن‌ها قرار دارند از میانگین پایین تری نسبت به دو خوشه‌ی یک و پنج شهر برخوردارند. به علاوه شاخص منزلت شغلی نشان می دهد که سرپرست خانوارهای ساکن در این محله‌ها در مشاغل پایین مشغول فعالیت بوده و نمره‌ی منزلت شغلی آن‌ها پایین است. هم‌چنین کم ترین درآمدها و کم‌ترین زیربنای واحد مسکونی مربوط به خوشه‌هایی می باشد که این محله‌ها در آن واقع شده‌اند (گزارش‌های دفتر تسهیل گری شهرداری، ۱۳۹۸).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی ناحیه‌ی کریم آباد شهرزاهدان (مأخذ: سایت شهرداری زاهدان)

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

### ویژگی‌های عمومی پاسخ‌دهندگان

جهت توصیف ویژگی‌های عمومی پاسخ‌دهندگان از شاخص‌های آمار توصیفی استفاده شده است. فراوانی پاسخ‌دهندگان براساس جنسیت، وضعیت تأهل، سن، میزان تحصیلات، ساختار شغلی، مدت اقامت، میزان درآمد و تابعیت در جداول ۳ تا ۶ مورد بررسی قرار گرفته است

### جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان براساس جنسیت و وضعیت تأهل

جنسیت	فراوانی	درصد	وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
مرد	۲۵۲	۶۷/۲	مجرد	۱۳۷	۳۶/۵
زن	۱۲۳	۳۲/۸	متأهل	۲۳۸	۶۳/۵
کل	۳۷۵	۱۰۰	کل	۳۷۵	۱۰۰

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان براساس تحصیلات و شغل

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد فراوانی	ساختار شغلی	فراوانی	درصد	درصد فراوانی
بی سواد	۵۷	۱۵/۲	۱۵/۲	کارمند	۲۰	۵/۳	۵/۳
زیردیپلم	۹۳	۲۴/۸	۴۰/۰	شغل آزاد	۱۸۴	۴۹/۱	۵۴/۴
دیپلم	۱۲۸	۳۴/۱	۷۴/۱	کارگر فصلی	۲۳	۶/۱	۶۰/۵
لیسانس	۵۴	۱۴/۴	۸۸/۵	خانه دار	۸۴	۲۲/۴	۸۲/۹
فوق لیسانس و بالاتر	۴۳	۱۱/۵	۱۰۰	بیکار	۶۴	۱۷/۱	۱۰۰
کل	۳۷۵	۱۰۰	کل	۳۷۵	۱۰۰	کل	۱۰۰

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان براساس مدت اقامت و سن

مدت اقامت	فراوانی	درصد	درصد فراوانی	سن	فراوانی	درصد	درصد فراوانی
کمتر از ۱۰ سال	۳۴	۹/۱	۹/۱	۲۰-۳۰ سال	۱۱۹	۳۱/۷	۳۱/۷
۱۰-۱۵ سال	۶۱	۱۶/۳	۵۹/۳	۳۰-۴۵ سال	۱۷۸	۴۷/۵	۷۹/۲
۱۵-۲۰ سال	۱۱۸	۳۱/۵	۵۶/۸	۴۵-۶۵ سال	۵۵	۱۴/۷	۹۳/۹
۲۰-۲۵ سال	۶۸	۱۸/۱	۷۴/۹	بیشتر از ۶۵ سال	۲۳	۶/۱	۱۰۰
۲۵ سال به بالا	۹۴	۲۵/۱	۱۰۰	کل	۳۷۵	۱۰۰	کل
کل	۳۷۵	۱۰۰	کل	۳۷۵	۱۰۰	کل	۱۰۰

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

جدول ۶. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان براساس میزان درآمد و تابعیت

میزان درآمد	فراوانی	درصد	درصد فراوانی	تابعیت	فراوانی	درصد	درصد فراوانی
زیر ۱ میلیون	۲۲۵	۶۰/۰	۶۰/۰	ایرانی	۳۶۰	۹۶/۰	۹۶/۰
۱-۲ میلیون	۱۰۱	۲۹/۶	۸۶/۹	افغانی	۰	۰/۰	۹۶/۰
۲-۳ میلیون	۳۰	۸/۰	۹۴/۹	پاکستانی	۰	۰/۰	۹۶/۰
۳ میلیون به بالا	۱۹	۵/۱	۱۰۰	سایر کشورها	۱۵	۴/۰	۱۰۰
کل	۳۷۵	۱۰۰	کل	۳۷۵	۱۰۰	کل	۱۰۰

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

در پاسخ به چگونگی وضعیت اقتصادی، وضعیت فیزیکی- کالبدی، خدماتی- زیست محیطی و مدیریت شهری تحلیل پرسشنامه ها نشان داد که شرایط در تمامی ابعاد متوسط رو به پایین می باشد و در این میان مدیریت شهری با ۳/۶۳۷ با بیشترین میانگین نسبت به سایر ابعاد وضعیت بدتری داشت (جدول ۷)، هم چنین مطابق با نتایج حاصل از

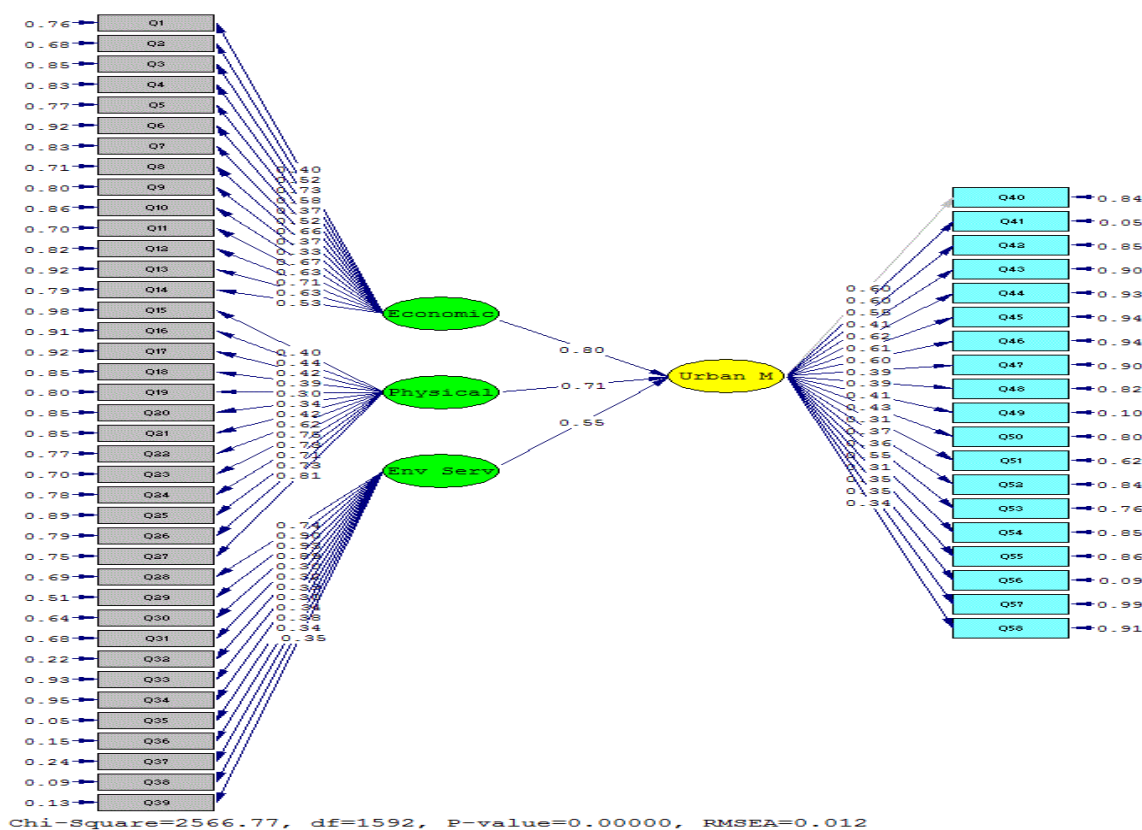
آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مقدار معناداری برای متغیرهای اقتصادی، ۰/۰۹۰، فیزیکی-کالبدی ۰/۱۰۸، خدماتی-زیست محیطی ۰/۰۷۰ و مدیریت شهری ۰/۰۵۱ نشان داد.

جدول ۷. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

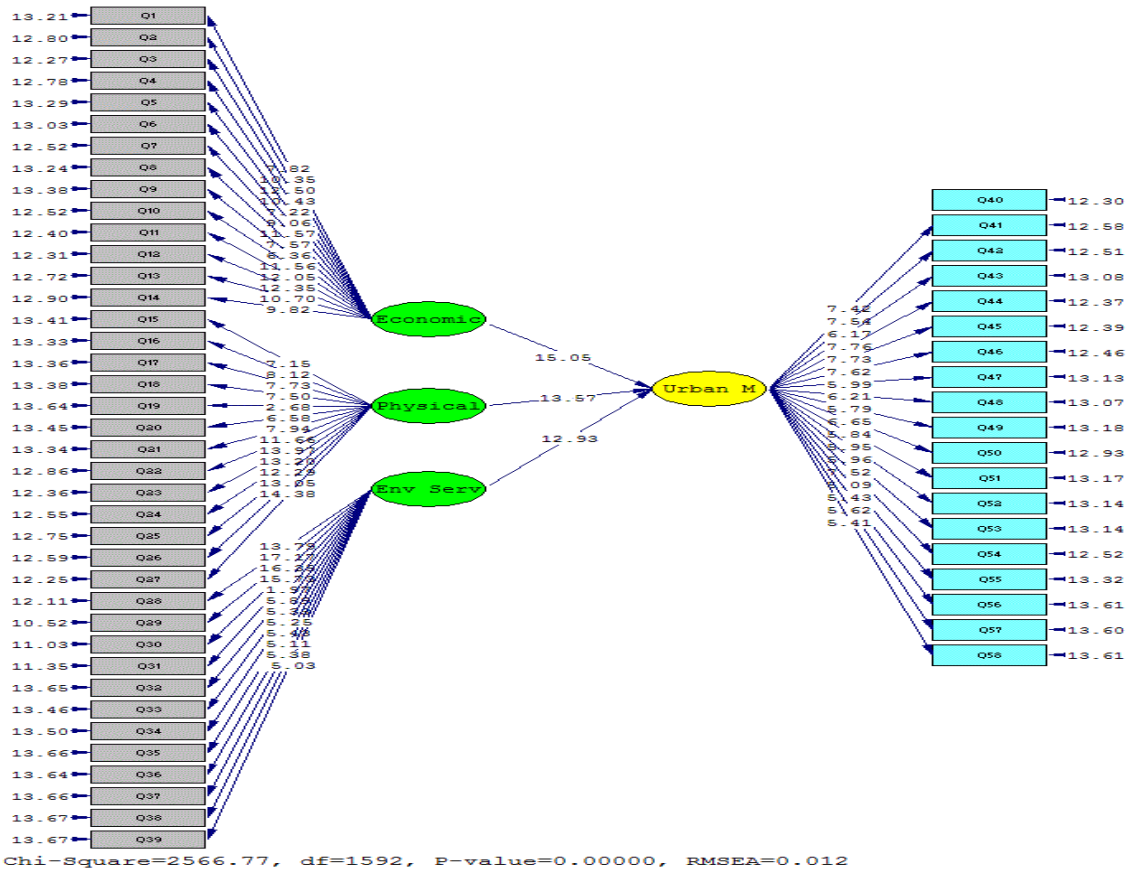
متغیر	نماد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
اقتصادی	Economic	۳/۶۱۰	۰/۵۹۶	۰/۳۵۵	-۰/۵۵۵	۰/۰۰۸
فیزیکی-کالبدی	Physical	۳/۵۳۸	۰/۶۱۲	۰/۳۷۵	-۰/۹۰۸	۰/۸۳۷
خدماتی-زیست محیطی	Env Service	۳/۵۶۷	۰/۵۵۰	۰/۳۰۳	-۰/۲۸۶	۱/۰۸۰
مدیریت شهری	Urban M	۳/۶۳۷	۰/۴۷۷	۰/۲۲۸	-۰/۲۸۲	-۰/۰۸۹

### آزمون فرضیه های پژوهش

جهت بررسی فرضیه های پژوهش از مدل معادلات ساختاری برای سنجش رابطه‌ی متغیرها استفاده شده است (شکل ۲ و ۳).



شکل ۲. نتایج تأیید مدل نهایی ارتباط بین متغیرهای تحقیق



شکل ۳. آماره t-value نتایج تأیید مدل نهایی ارتباطی بین متغیرهای تحقیق

جدول ۸. نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌ها	بارعاملی	آماره t-value	تایید/رد
بین مؤلفه‌های اقتصادی و مدیریت شهری شهر زاهدان رابطه معناداری وجود دارد.	۰/۸۰	۱۵/۰۵	تأیید
بین مؤلفه‌های فیزیکی-کالبدی و مدیریت شهری شهر زاهدان رابطه معناداری وجود دارد.	۰/۷۱	۱۳/۵۷	تأیید
بین مؤلفه‌های خدماتی-زیست محیطی و مدیریت شهری شهر زاهدان رابطه معناداری وجود دارد.	۰/۵۵	۱۲/۹۳	تأیید
بین تحصیلات و مدیریت شهری شهر زاهدان رابطه معناداری وجود دارد.	-	۰/۰۲۱	تأیید
بین ساختار شغلی و مدیریت شهری شهر زاهدان رابطه معناداری وجود دارد.	-	۰/۰۱۳	تأیید
بین مدت اقامت و مدیریت شهری شهر زاهدان رابطه معناداری وجود دارد.	-	۰/۰۴۶	تأیید
بین درآمد و مدیریت شهری شهر زاهدان رابطه معناداری وجود دارد.	-	۰/۰۳۸	تأیید

جدول ۹- شاخص های نیکوئی برازش مدل ساختاری پژوهش

(NNFI)	(NFI)	(AGFI)	(GFI)	(RMSEA)	(X2/df)	شاخص های برازندگی
>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	<۰/۰۵	۳-۱	مقادیر قابل قبول
۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۰۱۲	۱/۶۱	مقادیر محاسبه شده

محاسبات نگارندگان

### فرضیه‌ی اول: مؤلفه های اقتصادی بر مدیریت شهری شهر زاهدان تاثیرگذار است.

بر طبق مدل اصلی پژوهش (شکل ۲ و ۳) شدت تأثیرگذاری متغیر اقتصادی بر مدیریت شهری شهر زاهدان برابر ۰/۰۸۰ محاسبه شده است که نشان می‌دهد همبستگی بسیار قوی و مطلوبی میان این دو متغیر وجود دارد. آماره  $t$  آزمون نیز ۱۵/۰۵ بدست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی  $t$  در سطح خطای ۰/۰۵ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. بنابراین فرضیه‌ی اول پژوهش تایید می‌گردد.

### فرضیه‌ی دوم: مؤلفه های فیزیکی-کالبدی بر مدیریت شهری شهر زاهدان تاثیرگذار است.

بر طبق مدل اصلی پژوهش (شکل ۲ و ۳) شدت تأثیرگذاری متغیر فیزیکی-کالبدی بر مدیریت شهری شهر زاهدان برابر ۰/۷۱ محاسبه شده است که نشان می‌دهد همبستگی بسیار قوی و مطلوبی میان این دو متغیر وجود دارد. آماره  $t$  آزمون نیز ۱۳/۵۷ بدست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی  $t$  در سطح خطای ۰/۰۵ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. بنابراین فرضیه‌ی دوم پژوهش تایید می‌گردد.

### فرضیه‌ی سوم: مؤلفه های خدماتی-زیست محیطی بر مدیریت شهری شهر زاهدان تاثیرگذار است.

بر طبق مدل اصلی پژوهش (شکل ۲ و ۳) شدت تأثیرگذاری متغیر خدماتی-زیست محیطی بر مدیریت شهری شهر زاهدان برابر ۰/۵۵ محاسبه شده است که نشان می‌دهد همبستگی بسیار قوی و مطلوبی میان این دو متغیر وجود دارد. آماره‌ی  $t$  آزمون نیز ۱۲/۹۳ بدست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی  $t$  در سطح خطای ۰/۰۵ یعنی ۱/۹۶ بوده و نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده معنادار است. بنابراین فرضیه‌ی سوم پژوهش تایید می‌گردد.

### فرضیه‌ی چهارم: مؤلفه های جمعیت شناختی بر مدیریت شهری شهر زاهدان تاثیرگذار است.

با توجه به یافته‌های مندرج در جدول (۸) و مقدار معناداری محاسبه شده، با توجه به اینکه مقدار معناداری کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت: عامل تحصیلات، ساختار شغلی، مدت اقامت و درآمد بر مدیریت شهری شهر زاهدان تاثیرگذار است و فرضیه‌ی پژوهش تایید می‌شود.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سکونتگاه‌های غیر رسمی بازتاب و نمادی از فقر شهری تلقی می‌شوند. بازتاب گسترش فقر شهری را می‌توان در گسست کالبدی پاره‌ای از نواحی مسکونی از پیکره‌ی کل شهر و در چارچوب کاهش میزان برخورداری از خدمات شهری، اجتماعی، کیفیت سکونت و از سوی دیگر به حاشیه رانده شدن و انزوای اجتماعی پاره‌ای از گروه‌ها در این گونه سکونتگاه‌ها مشاهده کرد.

نتایج پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی تأثیر حاشیه نشینی بر مدیریت شهری در ناحیه‌ی کریم‌آباد شهر زاهدان بیانگر آن است که بیش‌تر افراد پاسخ‌دهنده دارای تحصیلات دیپلم به پایین و میزان درآمد کمتر از یک میلیون تومان و دارای مشاغل آزاد و کارگری بودند که همه‌ی این مسایل بستری برای آسیب‌های اجتماعی در منطقه فراهم خواهد نمود. در ادامه با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نرمال بودن داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. مطابق با نتایج حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مقدار معناداری برای متغیرهای اقتصادی، ۰/۰۹۰، فیزیکی-کالبدی ۰/۱۰۸، خدماتی-زیست‌محیطی ۰/۰۷۰ و مدیریت شهری ۰/۰۵۱ بود. نتایج آزمون‌های فرض آماری نیز نشان داد مؤلفه‌های اقتصادی، فیزیکی-کالبدی، خدماتی-زیست‌محیطی و جمعیت‌شناختی بر مدیریت شهری ناحیه‌ی کریم‌آباد شهر زاهدان تأثیرگذار است.

در مقایسه با سایر مطالعات مشخص شد که همسو با پژوهش حاضر، در پژوهشی که غلامی و همکاران در سال ۱۳۹۲ و با عنوان عوامل اقتصادی و اجتماعی حاشیه نشینی در ایران (مطالعه موردی کلان‌شهر تهران) به انجام رساندند به این نتیجه دست یافتند که درآمد خانواده بر حاشیه نشینی تأثیرگذار است.

همسو با پژوهش حاضر، در پژوهشی که بزی و همکاران در سال ۱۳۹۵ و با عنوان بررسی علل شکل‌گیری و راه-کار مقابله حاشیه نشینی شهر زابل با تأکید بر توانمندسازی به انجام رساندند به این نتیجه دست یافتند که مدت اقامت و سطح تحصیلات بر حاشیه نشینی تأثیرگذار است. همسو با پژوهش حاضر، در پژوهشی که علیزاده اقدم و محمدمامینی در سال ۱۳۹۱ و با عنوان عوامل اقتصادی و اجتماعی حاشیه نشینی در ایران (مطالعه موردی کلانشهر تهران) به انجام رساندند به این نتیجه دست یافتند که درآمد خانواده بر حاشیه نشینی تأثیرگذار است.

همسو با پژوهش حاضر، در پژوهشی که زنگی‌آبادی و مبارکی در سال ۱۳۹۱ و با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن مطالعه موردی (محلات احمدآباد، کوی بهشتی، خلیل‌آباد) به انجام رساندند به این نتیجه دست یافتند که عوامل اقتصادی بر حاشیه نشینی تأثیرگذار است. همسو با پژوهش حاضر، در پژوهشی که بابایی اقدم و همکاران در سال ۱۳۹۳ و با عنوان بررسی روند رشد کالبدی و توسعه‌ی فیزیکی مناطق حاشیه نشین و تأثیر آن بر وضعیت شهرنشینی کلان‌شهرهای ایران مطالعه موردی: شهرک حجت به انجام رساندند به این نتیجه دست یافتند که شهرک حجت از نظر اسکان جمعیت مهاجر و تعدیل وضعیت شهرنشینی شهر مشهد با توجه به روند فزاینده جمعیت آن نقش مثبتی را ایفا کرده است.

همسو با پژوهش حاضر، در پژوهشی که نقدی و زارع در سال ۱۳۹۰ و با عنوان الگوی زیست حاشیه، تهدیدی برای توسعه و سلامت پایدار شهری به انجام رساندند به این نتیجه دست یافتند تأثیر محیز زیست بر حاشیه نشینی تهدیدی جدی برای توسعه و سلامت پایدار شهری می‌باشد.

در بررسی نتایج فرضیه‌های می‌توان گفت مهم‌ترین مسائل محلات حاشیه نشین وجود فقر و بیکاری، نبود امنیت و وجود انواع آسیب‌های اجتماعی، بی‌عدالتی‌های اجتماعی-اقتصادی و عدم رسیدگی شهرداری به این محلات می‌باشد.

در این پژوهش، ناحیه‌ی کریم‌آباد که جزء مناطق حاشیه نشین شهر زاهدان است مورد بررسی قرار گرفته است. مناطق حاشیه نشین عمدتاً تهی‌دستان و در مجموع طبقه فقیر و کم‌درآمد را در خود جای داده و بدون مجوز و خارج از برنامه ریزی رسمی و قانونی توسعه‌ی شهری (طرح‌های جامع و تفصیلی) در درون یا خارج از محدوده‌ی قانونی شهرها بوجود آمده‌اند عمدتاً فاقد مالکیت هستند و از نظر ویژگی‌های کالبدی و برخورداری از خدمات رفاهی، اجتماعی و فرهنگی و زیرساخت‌های شهری شدیداً دچار کمبود هستند.

این پدیده یک معضل کلان‌شهری می‌باشد که نشان از ضعف ساختار اقتصادی دارد و می‌بایست توسط مدیریت شهری مناسب حل و فصل گردد. از این رو توصیه می‌شود جهت رفع این مشکلات اقداماتی همچون؛ ایجاد نظامی جهت



بهره مندی حاشیه نشینان از شبکه های زیر بنایی و خدمات شهری، آموزشی و بهداشتی، ساخت و عرضه مسکن ارزان قیمت برای اقشار کم درآمد، ایجاد و احداث خانه های مسکونی اجاره ای ارزان قیمت برای اقشار کم درآمد، یارانه تأمین مسکن مناسب به اقشار کم درآمد، ایجاد شهرک های کارگرنشین یا کم درآمدنشین در نزدیکی شهرهای بزرگ، احداث کارگاه های کوچک در نزدیکی شهرهای بزرگ برای رفع بیکاری خانوارهای حاشیه نشین انجام گیرد. در واقع؛ علل شکل گیری حاشیه نشینی شهر زاهدان ناشی از عوامل اقتصادی مانند نداشتن شغل و درآمد روستاییان ناشی از خشک سالی های اخیر می باشد. برای حل این مشکل نیز باید به عوامل اقتصادی مانند اشتغال حاشیه نشینان با افزایش آموزش مهارت های فنی و حرفه‌ای توجه شود. تأمین منابع مالی مورد نیاز توانمندسازی از طرف دولت می تواند به تسریع روند توانمندسازی حاشیه نشینان زاهدان کمک کند.

سیستم کالبدی شهر همواره تحت تأثیر سیستم های محیط از یک طرف و سیستم های تشکیل دهنده ی آن (انواع کابری های زمینی، تراکم کاربری های مختلف، مکان یابی و ترکیب مکانی یا همجواری کاربری ها، کارایی یا فرسودگی فضاها و کاهش عملکرد فضاها) از طرف دیگر، دچار دگرگونی شده و در مسیر تحقق هدف (زندگی مطلوب و عادلانه) دچار اختلال می شوند. این وضعیت موجب شده تا سیستم شهری از تعادل خود، که برای تحقق سطح کیفی و کمی خاصی از زندگی در نظر گرفته شده خارج شود و از این رهگذر بازده عناصر یا کاربری‌ها یا فضاهای شهری، به جای گرایش به سوی تعادل، عملاً از آن دور گشته و در مسیر کاهش کیفیت سطح زندگی پیش می رود.

این موضوع، امروزه در شهرها به صورت گرانی سفرهای درون شهری، تأخیرهای طولانی، تخریب محیط زیست، پیدایش مناطق مسکونی غیر قانونی، ایجاد مراکز تولیدی ناسالم در کنار مناطق مسکونی به طر احي مراکز اداری فشرده و غیراستاندارد نزدیک به مرکز شهر، پارک های شلوغ و آلوده و نامتناسب، از بین رفتن باغ ها و تبدیل فضاهای مسکونی به فضاهای تجاری، بلا استفاده ماندن و تغییر عملکرد برخی کاربری ها و یا ایجاد فضاهای جدید مانند شهرک‌ها، پاساژها، یا تغییر موقعیت مکانی شهر، مانند انتقال عملکرد هسته‌ی اصلی شهر به هسته های جدید، تعطیلی یا تغییر عملکرد بخش هایی از فضاهای شهر، به روشنی دیده می شود.

از این رو محققان در حاشیه نشینی؛ ناهنجاری های شهری و راهکارهای تعدیل آن نشان دادند که کریم آباد در شرق زاهدان، یکی از نواحی حاشیه نشین این شهر است که بر اساس نتایج حاصل از نمونه گیری میدانی درصد بالایی از جمعیت آن را مهاجران افغانی و مهاجران روستایی که از سایر نواحی استان سیستان و بلوچستان به زاهدان آمده اند، تشکیل می دهد. عمده‌ی جمعیت ساکن در کریم آباد به علت پایین بودن سطح سواد و مهارت در بخش غیر رسمی اقتصاد، جذب و به شغل‌های کاذب رو آورده اند. اکثر خانوارها تنها در یک یا دو اتاق زندگی می کنند.

اکثر واحدهای مسکونی فاقد پروانه‌ی ساختمان هستند. هم‌چنین، وجود مسیرهای روباز فاضلاب و فضاهای غیربهداشتی در سطح شهر که منجر به شیوع انواع بیماری ها گردیده، از دیگر آثار فیزیکی-کالبدی حاشیه نشینی در این ناحیه‌ی شهری می باشد. در نتیجه با توجه به توسعه‌ی فیزیکی شهری بعنوان یک ضرورت اساسی در برنامه‌های توسعه‌ی شهری، اهمیت این موضوع در تقویت جبهه‌های فیزیکی-کالبدی شهرها درخور اهمیت می باشد. برنامه‌ریزی و مدیریت شهری وقتی می تواند پایه‌ی مطالعات و توسعه‌ی شهر قرار گیرد که سیستم فیزیکی-کالبدی شهر مجموعه ای از فضاها، کاربری های مختلف و شبکه های ارتباطی بین آن‌ها باشد.

از این رو؛ هنگام برنامه ریزی برای توسعه‌ی فیزیکی- کالبدی یک شهر، باید قبل از هر چیز بستر طبیعی شهر مورد بررسی قرار گیرد و برای این‌که توسعه‌ی فیزیکی-کالبدی شهر بازدهی دلخواه را داشته باشد، باید متناسب با پویایی محیط تنظیم شود. هم‌چنین با توجه به این‌که هزینه‌ی زندگی در داخل شهر بالاست، غالباً مهاجران به حاشیه پناه آورده و

اقدام به ساخت و ساز غیر مجاز بر روی اراضی کشاورزی و زمین‌های بی‌صاحب می‌نمایند که این امر نیز به وسیله‌ی مدیریت شهری می‌بایست مورد نظارت و کنترل قرار گیرد.

ساخت‌وسازه‌های غیرمجاز و ایجاد مناطق مسکونی حاشیه‌نشین که دیر یا زود ساکنان آن سهم خود را از امکانات شهری طلب خواهند کرد، مشکلاتی را برای مدیریت زیست محیطی و شهری، بویژه شهرداری‌ها ایجاد می‌کند. اختلال در شبکه‌ی آمد و شد شهری، افزایش بیماری‌ها، آلودگی محیط زیست شهری، افت ولتاژ برق، نارسایی در شبکه آب و فاضلاب و بسیاری مشکلات دیگر از جمله پیامدهای حاشیه‌نشینی بر پیکره‌ی شهری خواهند بود.

در حال حاضر با توجه به این‌که حاشیه‌ها بخش قابل توجهی از جمعیت و حتی اشتغال ساکنان رسمی یا غیر رسمی شهرها را در خود جای می‌دهند، پس مسئولان امر می‌بایست در وهله‌ی اول با بکارگیری سیاست‌هایی با برخورد ریشه‌ای و منطقی به توسعه‌ی اجتماعی حاشیه‌های شهری کمک نموده و اقداماتی همچون؛ رفع کمبودهای بهداشتی، دسترسی به خدمات آموزشی و رفاهی، بهسازی کالبدی فیزیکی که منجر به رونق اقتصادی- بهداشتی و دل‌بستگی اهالی به محیط و محله می‌گردد، بهبود کیفیت آسفالت معابر، جمع‌آوری زباله، جدول‌کشی مناسب معابر، اشباع شبکه‌های زیربنایی و ... را در دستور کار خود قرار دهد.

دولت می‌تواند با خصوصی‌سازی و توسعه‌ی اشتغال ضمن جلوگیری از بسیاری از آثار سوء بیکاری در بلندمدت با کاهش متغیر حضور تعداد اعضای بیکار در یک خانواده، حاشیه‌نشینی را هم کاهش دهد. هم‌چنین اقدام لازم برای ادامه-ی تحصیل، ایجاد شغل مناسب و کارا به همراه درآمد مناسب برای افراد، می‌تواند از مهاجرت آن‌ها جلوگیری کند که این امر اثر مجددی بر کاهش حاشیه‌نشینی در بلندمدت خواهد داشت. ایجاد ساختار شغلی با درآمد مناسب و اعطای تسهیلات مناسب مسکن و احداث زمین در مشارکت برای ساخت و سیاست‌هایی از این دست خود عاملی برای کنترل قیمت مسکن خواهد بود که در نتیجه‌ی آن مهاجرین به سمت حاشیه‌سوق نخواهد یافت.

در ادامه پیشنهادهای بصورت کلی جهت کمک به کاهش حاشیه‌نشینی ارائه می‌گردد؛

- تقویت شهرهای میانی و کوچک استان و تخصیص بودجه‌های عمرانی بیش‌تر به آن‌ها؛ زیرا این امر موجب جذب تعداد زیادی از مهاجرین روستایی به آن‌ها خواهد شد و از شدت مهاجرت و مشکلات حاشیه‌نشینی در شهر زاهدان کاسته خواهد شد.
- تشویق و ترغیب ساکنان روستا و شهرهای کوچک به صنایع دستی و تأمین حداقل مطلوب اشتغال از این راه.
- زمینه‌سازی و تشویق بخش خصوصی و عمومی در عرضه مسکن ارزان قیمت به ساکنین مناطق حاشیه‌نشین و اعطای وام‌های مربوطه به همراه برقراری بیمه آنها به دلیل کاهش ریسک عدم بازگشت سرمایه گذاری.
- ایجاد اشتغال و کار آفرینی برای حاشیه‌نشینان به خصوص در بخش‌های تولیدی، به منظور کاهش بیکاری و اشتغال در اقتصاد غیررسمی و شغل‌های کاذب از یک سو و افزایش درآمد و کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها و گسترش عدالت اجتماعی، اقتصادی.
- برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی، درازمدت و کوتاه مدت توسط مسئولان و برنامه‌ریزان ذیربط به منظور ارتقاء فرهنگ حاشیه‌نشینان و جذب مشارکت آنان در نظام شهری.
- اعطای وام و اعتبارات کشاورزی به روستاییان در سطح استان و جلوگیری از مهاجرت به شهر زاهدان.
- بالا بردن سطح رفاه و کیفیت زندگی، بهداشت در روستاها و شهرهای کوچک.

## منابع و مأخذ

- ابراهیم زاده، عیسی، بریمانی، فرامرزی، و نصیری، یوسف. (۱۳۸۳)، حاشیه نشینی؛ ناهنجارهای شهری و راه کارهای تعدیل آن مورد شناسی؛ کریم آباد زاهدان. فصلنامه‌ی جغرافیا و توسعه، دوره ۲، صص ۱۲۲-۱۴۶.
- امانپور، سعید، محقق، زهرا، رضوی، سیده معصومه، رمضان پور اسعدیه، خاطره (۱۳۹۹). سنجش و ارزیابی نابرابری مناطق شهری در برخورداری از شاخص‌های ترکیبی توسعه (مطالعه‌ی موردی: کلان‌شهر اهواز). فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی پایدار شهری و منطقه‌ای، (۲) ۱، صص ۴۸-۶۶.
- امین زاده، سیامک (۱۳۹۶)، بررسی علل شکل‌گیری اسکان‌های غیررسمی و ارائه‌ی راه‌کاری بهینه جهت ساماندهی آن (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی علی آباد بوکان)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه مراغه.
- بابایی اقدم، فریدون و نجفی، حکیمه و روشن رودی، سمیه، (۱۳۹۳)، بررسی روند رشد کالبدی و توسعه‌ی فیزیکی مناطق حاشیه‌نشین و تأثیر آن بر وضعیت شهرنشینی کلان‌شهرهای ایران مطالعه‌ی موردی: شهرک حجت، اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه‌ی پایدار، تهران.
- بزی، خدارحم، و کیانی، اکبر و صفرزائی، علی. (۱۳۹۵)، بررسی علل شکل‌گیری و راه‌کار مقابله حاشیه‌نشین شهر زابل با تأکید بر توانمندسازی. فصلنامه‌ی مطالعات شهری، (۲۱) ۶، صص ۱۷-۲۸.
- پیران، پرویز (۱۳۸۲)، کارگاه اسکان غیر رسمی دانشگاه شهید بهشتی خرداد ۱۳۸۲.
- توسلی، غلامعباس، نورمرادی، سکینه (۱۳۹۱)، بررسی جامعه‌شناختی علل گستره آسیب‌های اجتماعی در بین حاشیه‌نشین‌های شهر تهران مورد مطالعه: منطقه‌ی چهار (خاک سفید) (فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره‌ی سوم، تابستان، صص ۶۵-۷۹).
- حیدری، محمد جواد، لطفی، فاطمه (۱۳۹۴)، ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر زنجان (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی اسلام آباد). فصلنامه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۲۶، صص ۱۵۱-۱۷۶.
- رضائی، میثم؛ بلاغی، رسول؛ شمس‌الدینی، علی؛ شاعر، فاطمه؛ ماندنی، سعید (۱۳۹۵)، ارزیابی و تحلیل ابعاد اجتماعی حاشیه‌نشین در کلانشهرها (مطالعه‌ی موردی: محلات حاشیه‌نشین شهر شیراز)، فصلنامه‌ی جغرافیایی سرزمین، سال سیزدهم، شماره‌ی ۵۲، صص ۵۷-۷۵.
- زنگی آبادی، علی، اصغر ضرابی و سعید خوب آیند (۱۳۸۴)، تحلیل علل اقتصادی-اجتماعی حاشیه‌نشین در شهر اصفهان، فصلنامه‌ی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد هجدهم، شماره‌ی ۱، سال ۱۳۸۴، صص ۱۷۹-۱۹۲.
- شماعی، علی، شاهی میرزا، محمد عین، ملکان، جواد. (۱۳۹۱)، بررسی عوامل و پدیده‌های مؤثر بر بروز جرائم و آسیب‌های اجتماعی در کلانشهرها (با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین). فصلنامه‌ی اطلاعات جغرافیایی سپهر، (۳۸) ۲۱، صص ۴۵-۵۰.
- شهرداری زاهدان (۱۳۹۸)، گزارشات دفتر تسهیل‌گری شهرداری.
- صفرآبادی، اعظم؛ مؤیدفر، سعیده؛ وارثی، حمیدرضا؛ بلاغی، رسول (۱۳۹۵)، رویکردهای توانمندسازی مناطق حاشیه‌ای شهری (مطالعه‌ی موردی: حسن آباد یزد)، فصلنامه‌ی جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۱۹، صص ۲۱۶-۲۳۰.

غلامی، روح اله، سیفی کفشگری، محسن، شهبازی، نجفعلی (۱۳۹۲)، عوامل اقتصادی و اجتماعی حاشیه‌نشینی در ایران (مطالعه موردی کلان‌شهر تهران فصلنامه‌ی آفاق امنیت، سال پنجم، شماره بیستم، صص ۱۶۷-۱۸۶).

قاسمی، یارمحمد؛ عبدالهی، زهرا؛ محمدزاده، امید (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی بر شیوع آسیب‌های اجتماعی (مورد مطالعه: محله‌های خاتمی و مهرآباد شهر ایلام. فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم، شماره‌ی، پیاپی ۲۹. صص ۱۲۱ تا ۱۴۴).

قرخلو، مهدی و پناهنده‌خواه، موسی (۱۳۸۸)، ارزیابی عملکرد شهرهای جدید در جذب جمعیت کلان‌شهرها، مطالعه‌ی موردی: شهرهای جدید اطراف تهران، فصلنامه‌ی پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره‌ی ۴۱، شماره‌ی ۶۷. صص ۱۷-۲۵.

مظهری، محمد، سلیمانی دینانی، مائده، (۱۳۹۹)، حاشیه‌نشینی و نقش مدیریت شهری در ساماندهی آن، هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران.

ملک‌افضلی و همکاران (۱۳۹۷)، بررسی شاخصه‌های توسعه‌ی پایدار در محله‌های حاشیه‌نشین مطالعه‌ی موردی: محله‌ی قلعه‌ی کامکار قم، فصلنامه‌ی شهر پایدار، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۳، صص ۸۱-۹۴.

ملکی، محمد، موسوی، میر نجف (۱۴۰۰)، توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر شاخص‌های حکمروایی خوب شهری (مطالعه‌ی موردی: محلات غیررسمی شهر ایلام)، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی پایدار شهری و منطقه‌ای، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۱، شماره‌ی پیاپی ۳، بهار، صص ۳۷-۸۵.

نقدی، اسداله و زارع، صادق. (۱۳۹۰)، الگوی زیست حاشیه، تهدیدی برای توسعه و سلامت پایدار شهری. فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، ۱(۱)، ۱۲۵-۱۴۶.

هادیزاده بزاز، مریم (۱۳۸۲)، حاشیه‌نشینی و راهکارهای سامان‌دهی آن در جهان، تهران: شهرداری مشهد با همکاری نشر تیهو.

وصالی، سعید و قاسمی نژاد، ابوذر (۱۳۹۸)، مطالعه‌ی داده‌بنیاد حاشیه‌نشینی و توسعه‌ی اجتماعی (شناسایی شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای تحقق نیافتگی توسعه‌ی اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان پاکدشت)، فصلنامه‌ی توسعه‌ی اجتماعی (توسعه‌ی انسانی سابق)، دوره‌ی ۱۴، شماره‌ی ۲، زمستان ۹۸، صص ۹۳-۱۲۶.

Alexander, David. (2002). *Principles of Emergency and Managements*, Oxford University Press.

Carter-Wall C and Whitfield G (2012) *The Role of Aspirations, Attitudes and Behaviour in Closing the Educational Attainment Gap Round-Up*. York: Joseph Rowntree Foundation.

Dahal, S; Sanjay, K; Nepal, Michael A. Schuett (2014). "Examining Marginalized Communities and Local Conservation Institutions: The Case of Nepal's Annapurna Conservation Area", *Environmental Management*, 53; PP.219-230.

Joan G Mowat,(2015), Towards a new conceptualization of marginalization, *European Educational Research Journal*, Vol. 14(5); PP. 454-476.

Kasara, J. D., Lindsay, G., (2011): *Aerotropolis: The Way Well Live Next*. Farrar, Straus and Giroux.

Kiani, A; Fazelnia, G & Salari Sardari, Farzali (2014), Comparative Comparison Approach of Traditional and New Urban Management in Iran *Biannual, Journal of Urban Ecology Researches* , Volume 4 , Number 2 (8); PP. 81 - 100.

Kiddle, Luke. (2011), *Informal Settlers, Perceived security of tenure and housing consolidation: Case studies from urban Fiji*, A thesis Submitted to the Victoria University

of Wellington in fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Geography.

Luke Kiddle, (2011), Informal settlers, perceived security of tenure and housing consolidation: Case Studies From Urban FIJI.

Öhrn E (2012), Urban education and segregation: The responses from young people. *European Educational Research Journal* 11(1), PP. 45–57.

Rostamzadeh, Y. (2012), Organizing and empowering informal settlements in urban areas with the attitude of local residents; Case Study: Tohid area, Bandar Abas Khanh, *Urban Management Spring-Summer*, Volume 10 , Number 29; PP. 321 - 336.

Shaw, Clifford R., McKay, Henry D., (2012), The social disorganization theory. Center for Spatially Integrated Social Science, Retrieved from [www.csiss.org/classics/content/66](http://www.csiss.org/classics/content/66).

Shieh, I. & Habibi, K. & Kamaly Nasab, H. (2011), The Formation & Expansion of Informal Settlements, Case Study: Sohrabyh Karaj Neighborhoods, Villages, *Housing and Environment*, Vol.30, No.133; PP.39-48.

UN–Habitat, (2005), Financing urban shelter, Global report on Human settlements, published in Uk & USA by Earth Scan.